

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ماه نور علی
برگردان: مجله جنوب جهانی
فرستنده: طاهر باختری
۱۲ می ۲۰۲۵

حمله هند بر پاکستان، بر تجربه اسرائیل استوار است



حمله هند در ۶ می به پاکستان نشان می‌دهد که بی‌عملی جهان در برابر نسل‌کشی در غزه، نارندرا مودی را به تشدید تنشج در کشمیر سوق داده است. از دهلی نو تا تل ابیب، قرابت ایدئولوژیک بین صهیونیسم و هندوئیسم هرگز تا این حد آشکار نبوده است.

جهان چشم خود را می‌بندد در حالی که بمب‌ها بر سر غزه می‌بارند، اما پروژه شهرک‌نشینی دیگری نیز در حال یادگیری است. از دهلی نو تا تل ابیب، قرابت ایدئولوژیک بین صهیونیسم اسرائیلی و جنبش هندوئیسم هندو هرگز به اندازه حمله هند به پاکستان آشکار نبوده است.

و از آنجائی که تقریباً هیچ‌کس در جهان مقامات اسرائیلی را به خاطر نسل‌کشی جاری در غزه مسؤول نمی‌داند، نارندرا مودی، نخست‌وزیر هند، تمام دلایل را دارد تا باور کند که او نیز می‌تواند پروژه قوم‌گرایانه خود را با مصونیت تشدید کند.

وقتی اسرائیل بیمارستانی را بمباران می‌کند، جهان می‌پرسد آیا حماس در زیر آن پنهان شده بود. وقتی هند مسجدی را بمباران می‌کند، شانه بالا می‌اندازند: آیا احتمالاً یک «مخفیگاه تروریستی» نبوده است؟ مدارای جامعه بین‌المللی با پرتاب بمب‌های امریکائی توسط اسرائیل بر اردوگاه‌های پناهندگان، سابقه وحشتناکی را برای سایر دولت‌ها ایجاد کرده است تا با همان چک سفید، دست به جنایات بزنند. هند این را فهمیده است.

این هفته، این آگاهی به شکل اعمال خشونت‌آمیز خود را نشان داده است. در ۶ مه، هند تحت لوای عملیات سندور، نامی که دارای مفاهیم عمیق فرهنگی هندو است، حملات راکتی را علیه پاکستان انجام داد.

دولت هند ادعا کرد که این حملات دقیق علیه «زیرساخت‌های تروریستی» در پاسخ به حمله ۲۲ اپریل در شهر پهلگام در کشمیر تحت اداره هند بوده که جان ۲۶ گردشگر هندو را گرفت.

با این حال، هیچ مدرک قطعی وجود ندارد که این حمله را به پاکستان مرتبط کند. اما مهم نیست. وقتی هدف نشان دادن قدرت و تحمیل سلطه باشد، نیازی به تأیید حقایق نیست.

نه هدف در پاکستان و کشمیر تحت اداره پاکستان مورد اصابت قرار گرفت. در بهاولپور، یک راکت به مسجدی اصابت کرد. یک کودک و هفت نفر دیگر کشته شدند. تاکنون سی و یک مرد و زن زخمی شده‌اند. غیرنظامیان کشته شده‌اند، خانواده‌های داغدار خانه‌های خود را از دست داده‌اند و دولت هند با عجله این عملیات را «متعادل» توصیف کرده است. اما ما قبلاً این کلمه را شنیده‌ایم. این همان زبان بی‌روح است که هر بار که اسرائیل مدرسه‌ای را در رفح ویران می‌کند یا بیمارستانی را در خان یونس بمباران می‌کند، استفاده می‌شود. جراحی، دقیق، موجه. زبان با دقت ساخته شده جنگ استعماری.

همبستگی بین صهیونیسم و هندوئیسم نمادین نیست. بلکه عینی است. هند اکنون یکی از بزرگترین خریداران تسلیحات از اسرائیل است.

سیستم‌های نظارتی پیشرفته در کرانه باختری اکنون محله‌های کشمیر را زیر نظر دارند. پهپادهای اسرائیلی که آسمان غزه را به وحشت می‌اندازند، برای نظارت بر مناطق با اکثریت مسلمان به هند فروخته می‌شوند.

بحث‌ها فقط در مورد سلاح نیست، بلکه در مورد ایدئولوژی، ستراتیژی و مصونیت نیز هست. در سال ۲۰۱۹، زمانی که مودی ماده ۳۷۰ را لغو کرد و جامو و کشمیر را از خودمختاری محدود خود محروم کرد، این بیانی‌های آشکار از اهداف استعماری او بود.

ده‌ها هزار سرباز اضافی مستقر شده‌اند. ارتباطات قطع شده است. روزنامه‌نگاران ساکت شده‌اند. منطقه محاصره شد در حالی که هند شروع به ایجاد مبانی قانونی و زیرساختی برای تغییر جمعیتی کرد. الگو؟ استعمار مداوم کرانه باختری توسط اسرائیل.

امروز، در حالی که غزه به آوار و خاکستر تبدیل شده است، کشمیر در حالت آماده‌باش قرار دارد. درست مانند بقیه شبه قاره.

زیرا موضوع فقط کشمیر نیست. این یک پروژه گسترده‌تر برای گسترش برتری هندو در سراسر هند است، پروژه‌ای که در آن مسیحیان، دالیت‌ها، سیک‌ها و به ویژه مسلمانان به عنوان موانعی برای یک هویت ملی‌گرایانه خالص دیده می‌شوند.

و درست مانند صهیونیسم، هندوئیسم خود را باستانی، مقدس و اساساً صلح‌آمیز نشان می‌دهد، بنابراین هر مقاومتی می‌تواند افراط‌گرایی نامیده شود.

ما دوباره این را این هفته دیدیم. حمله پهلگام، اگرچه غم‌انگیز بود، بلافاصله برای توجیه خشونت فرامرزی مورد استفاده قرار گرفت. هیچ تحقیق عمیقی وجود ندارد. هیچ جای تردیدی نیست. هیچ تعهدی برای پاسخگویی به اعمال وجود ندارد.

این نسخه مودی از کتابچه بازی هاسبرا است: رسانه‌ها را با اظهارات فضیلت‌آمیز پر کنید و بگذارید بمب‌ها بقیه کار را انجام دهند.

قربانیان، چه در غزه، چه در بهاولپور و چه در سرینگر، همچنان به عنوان تهدیدی برای استقرار صلح اجباری دیده می‌شوند. درد آنها رادیکال تلقی می‌شود. بقای آنها شرم‌آور است. و مرگ آنها، اغلب مستحق.

اما دولت‌ها تنها مقصر نیستند. بدون حمایت منفعلانه جهان، آنها نمی‌توانند آنچه را انجام می‌دهند، انجام دهند. آنچه نتانیا‌هو را جسور کرد، مودی را نیز جسور کرد: سکوت به اصطلاح دموکراسی‌های لیبرال، نگرانی لفظی سازمان ملل متحد و امتناع ایالات متحده، بریتانیا و اروپا از اعمال تحریم یا کاهش کمک‌های مالی و غیره. رهبران اقتدارگرا درس گرفته‌اند: اگر برای ما مفید باشید، اگر کلمات درست را در مورد تروریسم بگوئید، می‌توانید از هر کاری جان سالم به در ببرید.

مودی سوختن غزه را تماشا می‌کند. و فقط تماشا نمی‌کند: یاد می‌گیرد، آزمایش می‌کند و تمرین می‌کند. امروز بهاولپور بود. فردا ممکن است لاهور باشد. یا شاید جای دیگری. اما پیام بخوبی دریافت شد: جهان مداخله نخواهد کرد.

در حالی که فلسطینی‌ها در برابر محاصره نسل‌کشی مقاومت می‌کنند و کشمیری‌ها با اشغال نظامی‌شده مبارزه می‌کنند، همبستگی ما باید قاطع، بین‌بخشی و بی‌قید و شرط باشد. ما باید ماهیت واقعی این ایدئولوژی‌ها را آشکار کنیم. اینها استعمار، فاشیسم و آپارتاید هستند. ما باید دست از تظاهر برداریم که اینها مبارزات متفاوتی هستند. اینطور نیست. آنها فصل‌هایی از یک داستان جهانی هستند. و مودی فصل بعدی خود را با جوهر اسرائیلی می‌نویسد.